

بررسی تطبیقی و تحلیلی نوآوری ها در آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، ایران و هند

امید امیری ۱ و الهه امیری ۲

۱ کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی

۲ کارشناسی ارشد آموزش و پرورش تطبیقی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تکنولوژی آموزشی با یادگیری فعال و انگیزش تحصیلی بوده است. روش تحقیق مورد استفاده از نوع توصیفی، همبستگی بود. در تحقیق حاضر جامعه آماری مورد بررسی عبارت از آموزش بزرگسالان به معنای عام خود، همواره وجود داشته و انسان‌ها در طول تاریخ از تجارب یکدیگر درس‌ها آموخته و این دانش و آگاهی را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند. با این وصف، آموزش بزرگسالان از قرن هجده به عنوان نوعی خاص از آموزش مطرح گردید و در قرن نوزدهم و بیستم، به صورت بخشی مشخص و جداگانه از آموزش و پرورش رسمی توسعه یافت. بدون تردید، آموزش بزرگسالان با سوادآموزی آغاز شد، اما به تدریج تغییراتی اساسی در مفاهیم، روش‌ها، ایدئولوژی و محتوای آن ایجاد گردید. امروزه، آموزش بزرگسالان وظایف جدیدی بر عهده گرفته است که شاید مهم‌ترین آن، آماده کردن افراد بزرگسال برای دستیابی به یک حرفه و یا به روز کردن دانشی است که به تبع تغییرات گسترده‌ی اجتماعی و اقتصادی، ضرورت و اهمیت خود را از دست داده است پژوهش حاضر تحت عنوان بررسی تطبیقی و تحلیلی نوآوری‌ها در آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، ایران و هند در نظر دارد تا با استفاده از روش "جرج بردی" به بررسی آموزش بزرگسالان و تحلیل ابعاد مختلف آن شامل اهداف، تشکیلات، مراکز متولی، منابع مالی و فرادهندگان بپردازد و در خلال این مطالعه به نوآوری‌های به وجود آمده در این ابعاد اشاره کند. و در پایان به ارائه پیشنهادات کاربردی برای بهبود آموزش بزرگسالان در ایران بپردازد. با استناد به نتایج تحقیق میتوان اینگونه نتیجه گرفت: با توجه به نوآوری‌های انجام گرفته در کشورهای آلمان و هند؛ تشکیلات غیر متمرکز در کشور آلمان و حرکت به سوی عدم تمرکز در هند می‌توان تأیید کرد که اعمال این سیاست در آموزش بزرگسالان می‌تواند به بهبودهای چشمگیری در این آموزش‌ها منجر شود. چنانچه، مشارکت همگانی، توجه بیشتر به علایق محلی، حضور فعال‌تر سوادآموزان در این کلاس‌ها و انطباق بیشتر برنامه‌ها با نیازها و علایق بزرگسالان و نیز افت کم‌تر، در گرو سیاست عدم تمرکز خواهد بود. بدون تردید، بزرگ‌ترین نقطه ضعف موجود در سازمان نهضت سوادآموزی وجود تشکیلات متمرکز و دیوان سالاری است که فاقد انعطاف‌پذیری لازم جهت پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت و گوناگون نیازهای سوادآموزان است. تمرکز بیش از حد در تصمیم‌گیری، امکان مشارکت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی را کاهش داده و بی‌توجهی به نیازهای محلی و منطقه‌ای را موجب شده است. مساله‌ی معلم و صلاحیت‌های وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در واقع، این مساله، بزرگ‌ترین چالشی است که

این سازمان با آن روبه‌رو است. در این زمینه می‌توانیم مانند کشور هندوستان از نیروهای متخصص بخش خصوصی استفاده کنیم یا مانند کشور آلمان با تقویت آموزش‌های دانشگاهی مربوط به این رشته و ارتباط متقابل بین تأمین‌کنندگان آموزش بزرگسالان با محققان به صلاحیت‌های آموزشگران بزرگسال بیفزاییم بدون تردید، هر گونه بهبود کیفی در امر سوادآموزی، مستلزم دستیابی به امکانات مالی جدیدی است. بنابراین، راه‌حلی که به نظر می‌رسد می‌تواند بخشی از این مشکل را برطرف کند، مانند کشورهای مورد مطالعه جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به آموزش و جلوگیری از فشار بر بودجه ملی در این مورد است. این سرمایه‌ها را می‌توان مانند کشور آلمان از منابع متعددی چون بخش‌های تجاری یا صنعتی کشور، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی یا کمک‌های مردمی، پرداخت بخشی از هزینه‌ها توسط فراگیران یا والدین آن‌ها، تعهدات مسوولان محلی به آموزش، تأمین کرد؛ چرا که در اکثر کشورهای جهان، با مشارکت و همراهی مردم با مسئولان سوادآموزی، گام‌های بزرگی در این راه برداشته شده است. لازم به ذکر است که آموزش بزرگسالان به دلیل تعدد و گوناگونی نیازها، نمی‌تواند دارای ساختار یکسانی باشد و باید که در هر یک از بخش‌های جامعه، به شکل خاص خود اتفاق بیفتد. بنابراین، در مجموع، به نظر می‌رسد سازمان نهضت سوادآموزی به یک بازنگری کلی و همه‌جانبه نیاز دارد تا بتواند خود را با شرایط جدیدی که کاملاً از شروع کار نهضت متفاوت است، آماده کند. در انجام این مهم، ضرورت تغییرات همه‌جانبه در کلیه مفاهیم - از سواد گرفته تا مفهوم آموزش بزرگسالان - و نیز در اهداف، ساختار، مراکز متولی، تربیت معلم و نیز ابعاد مالی، کاملاً قابل توجیه است.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، بزرگسالان، مقایسه، تطبیقی، نوآوری.

مقدمه

اقتصادها، فناوری ها و جوامع به سرعت در حال تغییر هستند، ما در یک جهان دانش محور زندگی می کنیم، کسب و کار جهانی می شود و ساختارهای کاری از درباره سازمان می گیرند. اهمیت صلاحیت های کلیدی شامل صلاحیت های فنی، اجتماعی و ارتباطی دائماً در حال رشد است و آموزش در این بستر یک نقش مرکزی ایفا می کند. بنابراین آموزشهای مدرسه ای، حرفه ای و مداوم همچنین آموزشهای دانشگاهی و آموزشهای اضافی باید با این شرایط متغیر همسو شود و جوامع باید در پرتو این دیدگاه به پیشرفت ادامه دهند و انگیزه افراد را برای درگیری در آموزش مادام العمر، پرورش دهند از این رو آموزش بزرگسالان به عنوان عاملی که بر فرصت های حرفه ای و شخصی و قوه ابتکار در جوامع و گروه موثر است، اهمیت روز افزونی پیدا می کند. در مفهوم گسترده، قطعاً آموزش بر توانایی پاسخگویی به چالشهای جهانی مثل بیکاری و تهدیدات محیط زیست، تعصب و خشونت تأثیر می گذارد و از سوی دیگر به مردم کمک می کند تا بتوانند از عهده تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فنی و بوم شناختی برآیند و به طور فعال چنین تغییراتی را به سمت آینده بهتر برای افراد و در کل بشریت سوق دهند. (پنجمین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در آلمان، ۱۹۹۷). از بدو تأسیس یونسکو، آموزش بزرگسالان همواره در کانون توجه این سازمان قرار داشته و تغییر و تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است این تحولات از یک سو به دلیل تغییر در شرایط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جهان و از سوی دیگر به تبع رشد تکنولوژی به طور اعم و بالاخص تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات صورت گرفته است. بعلاوه برگزاری شش کنفرانس بین المللی با موضوع آموزش بزرگسالان موجب گردیده که حق آموختن به عنوان کلید بقای هر انسان در جامعه شناخته شود. اما باید اذعان داشت که توسعه و گسترش آموزش بزرگسالان در کشورهای توسعه یافته صنعتی و کشورهای در حال توسعه از روند مشابهی تبعیت نموده و تفاوت های فراوانی هم از نظر کمی وهم از بعد کیفی بین آنها وجود دارد، این آموزشها در کشورهای در حال توسعه بیشتر بر تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی تأکید دارد و از آن در جهت برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی استفاده می شود در حالی که در کشورهای توسعه یافته صنعتی، هدف از این نوع آموزشها بیشتر حرفه آموزی و بازآموزی در راستای انطباق با شرایط در حال تغییر جامعه مدرن می باشد. (مراد ویسی، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر هدف اصلی آموزش بزرگسالان، حرکت به سوی جامعه ای است که تمام اعضای آن مادام العمر در حال یادگیری بوده و از این آموزشها در راستای بهبود شرایط زندگی و گسترش رفاه و سعادت مندی بهره گیرند.

بیان مسئله

شرط اساسی شکوفایی و بالندگی در هر جامعه در توسعه سرمایه های انسانی و تربیت آنها نهفته است از آنجایی که انسان محور توسعه محسوب می شود و بزرگسال به عنوان فردی که مبنای توسعه است و توسعه بر آن استوار است، نیاز به آموزش برای او بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. (نظر زاده، ص ۴).

طبق سرشماری سال ۱۹۸۰، ۸۲۴ میلیون نفر و یا به عبارت دیگر حدود ۲۹ درصد جمعیت بزرگسال جهان بی سواد تشخیص داده شوند. این رقم با وجود کوشش هایی که برای کاهش بی سوادی در جهان صورت می گیرد متأسفانه هنوز در حال رشد بوده و هست و به طور کلی اگر این روند به همین ترتیب ادامه یابد شمار بی سوادان تا آخر این قرن به حدود یک میلیارد نفر خواهد رسید. (صباغیان، ۱۳۸۲ ص ۱۹). در اواخر دهه ۱۹۸۰ کشور ما با تعداد ده میلیون نفر بی سواد جزوه ده کشوری که بر روی هم پنجاه درصد بی سوادان جهان در آن کشورها به سر می برند، محسوب می شود. نه کشور دیگر این دسته بندی عبارتند از اندونزی، بنگلادش، برزیل، پاکستان، چین، مکزیک، مصر، نیجریه و هند. سوادآموزی یکی از مهم ترین مسایل آموزش و پرورش جامعه ایران محسوب می شود، چرا که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ هنوز ۱۶ درصد مردم ایران کاملاً بی سواد هستند و توانایی خواندن و نوشتن را ندارند. البته این آمار دقیق نیست و شامل افراد کور سواد و کم سواد نمی شود و پیش بینی می شود هنوز ۲۰ درصد مردم کشور بیسواد هستند و اگر این آمار را با آمار سایر کشورها مقایسه کنیم به وخامت اوضاع سوادآموزی در کشورمان پی می بریم. نرخ سوادآموزی در ایران بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۰ به ترتیب ۸۴/۷ و ۷۶ درصد و تعداد بیسوادان در این دو برهه زمانی ۸

و ۱۰/۶ میلیون نفر گزارش شده است. (موسسه آماری یونسکو، سپتامبر ۲۰۰۸). بنابراین ضرورت توجه به آموزش بزرگسالان که سواد آموزی را از اهداف اولیه خود قرار داده بویژه برای کشورهای چون کشور ما که هنوز با مشکل بیسوادی دست و پنجه نرم می کند، بیش از پیش جلوه می کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

قرن ۲۱ قرن تغییرات وسیع اقتصادی، فنی و تکنولوژیکی نامیده شده و در آن جهانی شدن کسب و کار و اهمیت صلاحیت های حرفه ای و فنی نمایان است به همین دلیل فرایند یادگیری نیز نمی تواند در آغاز بزرگسالی متوقف گردد بلکه باید به دانشها ارزشها و عقاید و اقدامات جدید متوسل شد. (جارویس، ۱۳۸۶، ص ۶)

آموزش و بویژه آموزش بزرگسالان عامل اساسی در ارتقا فرایند های توسعه به شمار می رود، بعلاوه آموزش بزرگسالان می تواند سهم بسزایی در مشارکت کامل توده های مردم در پیشرفت خود و در نظارت فعالانه نشان نسبت به تغییرات اجتماعی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی داشته باشد از آموزش بزرگسالان، برداشت های متفاوتی در اذهان وجود دارد با توجه به هریک از برداشت های فوق نیز تعریف خاصی می توان برای آن ارایه داد، در هریک از کشورهای که این نوع آموزش جریان دارد با توجه به عواملی مثل تاریخ، سنن، فرهنگ و میزان توسعه نظام آموزشی ابعاد خاصی از این آموزش مورد تایید و الویت قرار می گیرد. زیرا هدف اصلی آموزش بزرگسالان تکامل و تعالی افراد بوده و در جهت حل مشکلات فردی و اجتماعی آن ها تنظیم و ارائه می شود. به این ترتیب با توجه به این که آموزش بزرگسالان دارای اهداف گسترده و حوزه ی عمل وسیعی است، ارائه تعریفی جامع و مانع که دربرگیرنده تمام اهداف و حوزه عمل آن باشد قدری مشکل است. در زیر تعریف کمیسیون بین المللی تعلیم و تربیت از آموزش و پرورش بزرگسالان به دلیل سادگی و صراحت آن ارائه می شود:

"آموزش بزرگسالان دارای تعاریف متعدد است. مثلاً آموزش بزرگسالان جانشین آموزش پایه برای کسانی است که آن را از دست داده اند، برای افرادی که از تعلیمات ابتدایی و حرفه ای بهره کافی نگرفته اند آموزش بزرگسالان مکمل آموزش مقدماتی یا حرفه ای است، برای اشخاصی که آموزش به آنها کمک می کند تا به تقاضاهای تازه محیط پاسخ گویند، آموزش بزرگسالان تمدید آموزش است، کسانی که دارای تحصیلات بالاتری هستند می توانند با بهره گیری از آموزش بزرگسالان به معلومات خود بیفزایند. می توان گفت که آموزش بزرگسالان یک وسیله پیشرفت فردی برای همه است. میزان اهمیت هر یک از جنبه های یاد شده در کشورهای مختلف احتمالاً با یکدیگر متفاوت است ولی همگان به ارزش آن اعتقاد دارند". (آقازاده، ص ۷۶-۷۵).

پژوهش حاضر تحت عنوان نوآوری در آموزش بزرگسالان در نظر دارد تا با استفاده از روش "جرج بردی" به بررسی آموزش بزرگسالان و تحلیل ابعاد مختلف آن شامل اهداف، تشکیلات، مراکز متولی، منابع مالی و فرادهندگان پردازد و در خلال این مطالعه به نوآوری های به وجود آمده در هر یک از این ابعاد اشاره کند. و در پایان به ارائه پیشنهادات کاربردی برای بهبود آموزش بزرگسالان در ایران پردازد. لازم به ذکر است انتخاب کشور آلمان به دلیل پیشگامی آن در زمینه آموزش بزرگسالان و قرار داشتن آن جزو سه کشور صنعتی برتر جهان صورت گرفته و انتخاب هند نیز به دلیل همسایگی با ایران در منطقه آسیا و قرابت فرهنگی، اجتماعی بیشتر نسبت به کشورهای مجاور، مشکلات جمعیتی و زبانی و وجود لهجه ها و گویش های متنوع و مشابهت با ایران از لحاظ نرخ بالای بیسوادی صورت گرفته است.

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی تطبیقی و تحلیلی نوآوری ها در آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، هند و ایران.

اهداف جزئی

- ۱- بررسی و تحلیل اهداف آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، هند و ایران.
- ۲- تشکیلات آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، ایران و هند چگونه است؟
- ۳- بررسی مراکز متولی آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، هند و ایران.

۴- بررسی منابع مالی آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، هند و ایران.

۵- بررسی فرادهندگان آموزش بزرگسالان در سه کشور آلمان، هند و ایران.

۶- بررسی شباهت ها و تفاوت های موارد فوق الذکر در کشورهای آلمان، هند و ایران.

آموزش بزرگسالان (adult education)

این مفهوم در کشور های مختلف به نام های آموزش غیررسمی (informal education) و آموزش مداوم (continuing education) نیز به کار برده می شود.

آموزش بزرگسالان دارای تعاریف متعدد است مثلاً آموزش بزرگسالان جانشین آموزش پایه برای کسانی است که آن را از دست داده اند. برای افرادی که از تعلیمات ابتدایی و حرفه ای بهره کافی نگرفته اند، آموزش بزرگسالان مکمل آموزش مقدماتی یا حرفه ای است. برای اشخاصی که آموزش به آنها کمک می کند تا به تقاضاهای تازه محیط پاسخ گویند، آموزش بزرگسالان تمديد آموزش است. کسانی که دارای تحصیلات بالاتری هستند می توانند با بهره گیری از آموزش بزرگسالان به معلومات خود بیفزایند و میتوان گفت که آموزش بزرگسالان یک وسیله پیشرفت فردی برای همه است. میزان اهمیت هر یک از جنبه های یادشده در کشور های مختلف احتمالاً با یکدیگر متفاوت است ولی همگان به ارزش آن اعتقاد دارند. (ژان توما، ترجمه آقازاده، ۱۳۶۳)

- آموزش بزرگسالان کوشش آگاهانه یک جامعه است که از طریق مؤسسات و سازمان های داوطلب، برای اعتلای سطح آگاهی افراد جامعه به عمل می آید. به این ترتیب امکانات و وسایل یادگیری در اختیار افرادی قرار می گیرد که در سنین مختلفی هستند، فرصت استفاده از تعلیمات ابتدایی و ضروری را در دبستان، دبیرستان و دانشگاه نداشته اند یا آموزش حرفه ای و تخصصی آنان قبل از وقت قطع شده است و مشتاق فراگیری مطلبی درباره موضوعی با اهداف معینی هستند، به شرط این که با اصول دموکراسی مغایرتی نداشته باشد. (صباغیان، ۱۳۷۳ ص ۱۸).

- تدارک آموزش مستمر و سازمان یافته برای افرادی که دیگر به مدرسه نمی روند با هدف ایجاد تغییر در اطلاعات، دانش، مهارت و... (السنور، اولین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان، ۱۹۴۹).

- آموزش بزرگسالان فرایندی است مستمر و سازمان یافته برای تدارک جامعه در حال یادگیری تا افراد جامعه بتوانند در جهت تکامل و تعالی حرکت کنند و در سرنوشت جامعه خود از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت داشته باشند. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰).

آموزش مداوم (continuing education)

به نظر "ونبلز" آموزش مداوم عبارت است از کلیه فرصت های یادگیری که پس از پایان تحصیلات اجباری پیش می آید و از آن استفاده می شود، این یادگیری ممکن است تمام وقت یا نیمه وقت، حرفه ای یا غیر حرفه ای باشد. (جارویس، ترجمه سرمد، ۱۳۸۶ ص ۲۸).

آموزش مادام العمر (life long learning)

- مفهوم آموزش مادام العمر از کمیسیون بین المللی توسعه تعلیم و تربیت: کلیه جنبه های آموزش و پرورش و محتوی آن را شامل می شود که تمام آن بیش از حاصل جمع بخش های تشکیل دهنده آن است. در هر نظام آموزشی هیچ جزء پایداری نیست که، جدا از دیگر اجزاء، مادام العمر نباشد. به عبارت دیگر آموزش مادام العمر نظام آموزشی خاصی نیست، بلکه اصلی است که طرح جامع آموزش بر مبنای آن ایجاد شده و بنابراین باید زمینه پیشرفت و توسعه هر یک از اجزاء تشکیل دهنده نظام باشد. (ژان توما، ترجمه آقازاده، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶).

- عبارت است هر نوع رخداد برنامه ریزی شده که جنبه انسانی دارد، هدف آن یاد گیری و فهم فراگیر است و می تواند در هر یک از مراحل حیات انسان به وقوع بپیوندد. (جارویس، ترجمه سرمد، ۱۳۸۶ ص ۲۷).

آندراگوژی (andragogy)

آموزش بزرگسالان با اصطلاح آندراگوژی همراه است. این اصطلاح از ترکیب دو کلمه یونانی *Anger* به معنی انسان و *Angus* به معنی رهبر یا راهنما گرفته شده است؛ که به مفهوم هنر و علم کمک به افراد بزرگسال برای یادگیری می باشد. آنچه از این واژه استنباط می شود، هنر و علم کمک به فراگیران بزرگسال است. به این ترتیب از "*andragogy*" با عنوان علم تعلیم بزرگسالان نام برده می شود. در مقابل این اصطلاح، اصطلاح "*pedagogy*" قرار دارد که به معنی علم هدایت و رهبری و علم تعلیم کودکان می باشد. در کشور های مختلف واژه آندراگوژی به گونه های متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه از این واژه سه برداشت عمده وجود دارد:

۱- آندراگوژی به عنوان رویکرد پژوهشی در آموزش بزرگسالان: در این مفهوم آندراگوژی، علم درک و حمایت از آموزش بزرگسالان در طول زندگی است.

۲- آندراگوژی به عنوان رویکرد نظری و عملی خاص: در این مفهوم آندراگوژی، یادگیرندگان را به عنوان افرادی مستقل و خود هدایت د یادگیری و معلمان را به عنوان افرادی تسهیل گر در نظر می گیرند.

۳- برداشت سوم آندراگوژی در مفاهیم متفاوت؛ "عمل آموزش بزرگسالان"، "ارزش های مطلوب و قابل قبول"، "متدهای تدریس خاص و ویژه"، و "نقطه مقابل آموزش خردسالان" به کار برده می شود.

آندراگوژی به عنوان یک رشته دانشگاهی نیز مطرح است. این رشته در سطح جهانی، فرایند رشدی متفاوتی داشته است. که حاصل این حرکت، ظهور یک رویکرد علمی-پژوهشی بوده است. گروه جدیدی از مربیان بزرگسال ظاهر شده اند که شایستگی های خود را با مطالعات علمی دانشگاهی کسب کرده اند. امروزه در تعدادی از کشورها رشته علمی-دانشگاهی وجود دارد که دارای برنامه ها، اساتید و دانشجویان ویژه در حوزه ی آموزش بزرگسالان می باشد. به عبارت دیگر آندراگوژی در این مفهوم یک رشته دانشگاهی است که موضوع آن مطالعه بزرگسالان و یادگیری آن ها در همه اشکال می باشد. (شفیعی، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

آموزش و پرورش تطبیقی و بین المللی (comparative and international education)

به دانشی اطلاق می شود که موضوع آن شناسایی، تحلیل و مقایسه شباهت ها و تفاوت های پدیده های تربیتی در داخل یک نظام آموزشی و یا بین نظام های آموزش و پرورش ممالک مختلف جهان با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی مؤثر در تشکیل و پیدایش آن هاست. (آقازاده، ۱۳۸۲).

نوآوری (Innovation)

نو آوری عبارت است از کوشش های که برای ایجاد تغییر در نظام آموزشی به طور آگاهانه و هدفدار در جهت بهبود بخشیدن به نظام موجود به عمل می آید. (ژان توما، ترجمه آقازاده، ۱۳۶۳، ص ۱۱۶).

تشکیلات (organization)

سازمان دارای تعاریف متعددی است که در مجموع به این شرح است: در سازمان مجموعه ای از افراد و گروه ها مطرح است، قالبی است که برای نیل به اهداف و مقاصد معینی به وجود آمده است، در سازمان فعالیت مستمر مطرح است و از همه نیرو ها بر اساس وظایف تفکیک شده به طور هماهنگ استفاده می شود. (صافی، ۱۳۸۰).

مراکز متولی آموزش بزرگسالان

مجموعه مراکز متنوعی که در جهت اجرای عملی اهداف مختلف سازمان فعالیت می کنند مراکز متولی آن سازمان را تشکیل می دهند. این مراکز بسته به تاریخچه اجتماعی و فرهنگی و سابقه و پیشرفت آموزش بزرگسالان و مشارکت بخش های مختلف جامعه در فعالیت های مربوط به آن، در کشور های مختلف متفاوت است چنانچه بیشترین گستردگی در این زمینه در آلمان به چشم می خورد که شامل دانشگاه ها، بخش خصوصی، مراکز آموزش حرفه ای و فنی، کلیساها، مراکز آموزش بزرگسالان اجتماع و می باشد. در ایران این مراکز شامل نهضت سوادآموزی و سازمان فنی و حرفه ای و در هندوستان شامل مدارس آزاد ملی، مراکز یادگیری

بدون مرز تحت حمایت سازمان یونسکو، مؤسسه آموزش و علوم هند، مؤسسات غیردولتی و خصوصی و آژانس های داوطلبانه می باشد.

طبقه بندی برنامه های آموزشی بزرگسالان

سوادآموزی یا آموزش سواد: سوادآموزی یک مفهوم نسبی است و در هر جامعه ای تعریف خاص خود را دارد. سوادآموزی موقعیتی پویاست که در جریان آن افراد پس از کسب مهارت ها و معلومات اساسی می توانند در کلیه فعالیت های اجتماعی که مستلزم داشتن آن مهارت ها و معلومات است به نحو مؤثری شرکت جویند. باید به خاطر داشته باشیم که کودکان به حکم اجبار اجتماعی به مدرسه می روند ولی بزرگسالان به خاطر مفید دانستن آموزش به آن روی می آورند. بنابراین آموزش بزرگسالان عاملی است برای حرکت تکاملی و ایجاد تغییر در بزرگسالان چرا که بزرگسالان نیز می توانند تغییر کنند. ابراهیم زاده. سوادآموزی، که شکل مهم و ویژه آن آموزش خواندن و نوشتن و ریاضیات پایه است و آموزش این مواد اساس و لازمه سایر برنامه های آموزشی بزرگسالان است.

آموزش فنی و حرفه ای: که افراد را برای اشتغال در حرفه خاصی آماده می کند و همچنین آگاهی و دانششان را درباره پیشرفتهای و نوآوریهای که در زمینه حرفه آنان صورت گرفته است افزایش می دهد. گسترش و پیشرفت صنایع و تکنولوژی، آموزش حرفه ای را در هر جامعه ایجاب می کند.

برنامه های آموزشی در زمینه بهداشت، رفاه و زندگی خانوادگی: شامل مباحثی در زمینه اقتصاد و بهداشت خانه و خانواده، نگهداری کودک، روابط افراد در خانواده، سلامتی و تندرستی و غیره.

برنامه های آموزش سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ایدئولوژیک: که شامل کلیه مباحث آموزشی درباره دولت، جامعه، سیاست، روابط و اقتصاد ملی و بین المللی و مانند آنهاست. هدف اساسی این نوع تعلیمات، آشنا کردن افراد جامعه با حقوق و وظایفشان و بالا بردن سطح آگاهی و رشد فکری بزرگسالان است. این گروه از برنامه های آموزشی، به پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک یک جامعه کمک مؤثری می کند. این برنامه ها در صورتی که متصدیان امور تمایل داشته باشند، شهروندان را در حل مشکلات اجتماعی و مسائل جامعه یاری خواهد کرد.

برنامه های آموزشی برای ارضای نیازهای روحی، سرگرمی و افزایش وسعت دید بزرگسالان: انواع برنامه هایی را شامل می شود که هدفش یادگیری محض است. به عبارت دیگر، برخلاف سایر برنامه های فوق، که در آن علاوه بر یادگیری هدف های خاص اجتماعی و اقتصادی مطرح است، این گروه از برنامه ها جنبه شخصی و به عبارت دیگر جنبه ذوقی دارد. مثل آموزش هنر و ادبیات و مانند آنها.

در جوامع مختلف هر یک از برنامه های فوق از اهمیت و ویژگی های خاصی برخوردار است. آنچه در یک کشور مورد توجه است و بیشتر بودجه و امکانات آموزش بزرگسالان را به خود اختصاص می دهد ممکن است در یک کشور دیگر به علت شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره چندان مد نظر نباشد و جزء بسیار کوچکی از آموزش بزرگسالان را تشکیل دهد. از این نظر، مفهوم و عملکرد آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف جهان یکسان نیست و بر اساس شرایط خاص آن جامعه، شکل و معنای خاص خودش را گرفته است. در بسیاری از کشورهای جهان سوم به علت کمبود منابع مادی و نیروی انسانی متخصص و همچنین در صد بالای بیسوادی در بزرگسالان که توانایی خواندن و نوشتن نام خود را نیز ندارند، آموزش بزرگسالان بیشتر جنبه سوادآموزی دارد. که کشور ما هم جزو این کشورهاست. در این کشور ها، برنامه های آموزش بزرگسالان در آموزش خواندن و نوشتن و ریاضیات پایه خلاصه شده است و سایر برنامه های آموزشی را تحت الشعاع قرار داده است. در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی آموزش بزرگسالان مفهوم دیگری دارد؛ در این کشور ها، به این دلیل که مشکل بیسوادی را تا حد بسیار زیادی حل کرده اند، موضوع سوادآموزی چندان مورد نظر نیست و سایر برنامه های آموزش بزرگسالان از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر، چون درصد بیسوادی در کشورهای پیشرفته صنعتی بسیار کم است، این قبیل کشور ها قادرند بودجه و امکانات بیشتری در

اختیار سایر رشته های آموزش حرفه ای، سیاسی، حقوقی، اقتصادی، خانوادگی و غیره قرار دهند. در حقیقت، این کشور ها مراحل ابتدایی آموزش بزرگسالان را پشت سر گذاشته اند و به مرحله آموزش مداوم رسیده اند.

اهداف آموزش بزرگسالان: به طور کلی نظام آموزش بزرگسالان بر اساس شرایط اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی هر جامعه متفاوت است و اهداف خاصی را دنبال می کند. ولی معمولاً کشور های جهان سوم، از جمله ایران، اکثراً بودجه و امکانات آموزش بزرگسالان را در درجه اول صرف برنامه های سوادآموزی می کنند و در درجه دوم در اختیار آموزش حرفه ای و سایر برنامه های آموزش بزرگسالان قرار می دهند. اما در کشور های پیشرفته صنعتی، که اکثریت افراد جامعه باسوادند، بیشتر بودجه و امکانات آموزشی صرف برنامه های آموزش حرفه ای و سایر بخش های آموزش مداوم می شود. با توجه به نکات فوق در اینجا اهداف سوادآموزی و آموزش حرفه ای بزرگسالان را جداگانه بررسی می کنیم.

هدف های سوادآموزی: هدف از سوادآموزی، برخلاف آنچه معمولاً تصور می شود، تنها فراگرفتن خواندن و نوشتن و ریاضیات پایه نیست؛ مهمترین اهداف آن را می توان به این ترتیب خلاصه کرد:

۱- فراهم کردن آموزش ابتدایی و دادن امکان دیگری به بزرگسالان برای کسب مهارت هایی که در طول دوران کودکی و جوانی از آنها محروم بوده اند.

۲- افزایش توانایی و مهارت بزرگسالان برای شرکت در برنامه های اجرایی دولت و جامعه.

۳- تهیه برنامه ها و تشکیل کلاس هایی که به گسترش فکری بزرگسالان اختصاص یافته و هدف آن، کسب مدرک یا دریافت شغل بهتر نیست.

۴- افزایش اعتماد به نفس در بزرگسالان از طریق افزایش آگاهی و دانش آنان.

۵- بالا بردن سطح آگاهی بزرگسالان در زمینه مصالح جامعه و گسترش علاقه مندی آنان به مشارکت در تصمیم گیری.

۶- افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق، وظایف و مسئولیت های خود.

۷- گسترش توانایی های بزرگسالان برای حل مسائل و مشکلات شخصی و اجتماعی خود.

۸- آگاه کردن بزرگسالان به مهارت ها، استعداد ها و توانایی ها و همچنین ناتوانی و کمبود های خود.

۹- گسترش دانش افراد درباره مبانی و میراث فرهنگی خود.

تحول آموزش بزرگسالان در جهان:

به منظور بررسی سیر تحول آموزش بزرگسالان در جهان و اشاره به مفهوم، گستره و حوزه عمل آن به کنفرانس های بین المللی یونسکو در این زمینه اشاره می کنیم:

الف) نخستین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در السینور دانمارک در سال ۱۹۴۹ برگزار شد و در این اجلاس بین المللی آموزش بزرگسالان بعنوان مجموعه کوشش هایی که به بسط و توسعه فرهنگی و تفاهم بین المللی می انجامد توجه شد.

ب) دومین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در مونترال کانادا در سال ۱۹۶۰ برگزار گردید و کانون توجه شرکت کنندگان در این کنفرانس به آموزش بزرگسالان بعنوان بخشی از توسعه اقتصادی و به آموزش زنان در راستای حقوق آنان در مقایسه با مردان معطوف بود.

پ) سومین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در توکیو ژاپن در سال ۱۹۷۲ برگزار شد و به آموزش بزرگسالان به عنوان تمديد آموزش از جمله آموزش های ضمن خدمت و کارآموزی و بازآموزی به منظور به هنگام کردن دانش حرفه ای صاحبان مشاغل در راستای پاسخگویی به نیازمندی های رو به رشد جوامع صنعتی تأکید شده است.

ت) چهارمین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در پاریس فرانسه در سال ۱۹۸۵ برگزار گردید. از نتایج مهم این کنفرانس حق آموختن بعنوان کلید بقای فرد در جامعه اعلام گردید. حق آموختن شامل: حق خواندن و نوشتن، حق پرسش و تفکر کردن، حق

تجسم و خلق کردن، حق شناخت محیط خود و حفظ آن، حق بهره گیری از کفایت ها و استعداد های فردی و حق برخورداری از آگاهی های علمی و عمومی و بهبود حرفه آموزی می شود.

ث) پنجمین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان با عنوان "یادگیری بزرگسالان کلیدی برای قرن بیست و یک" در سال ۱۹۹۷ با همکاری موسسه آموزشی یونسکو (UIE) در هامبورگ آلمان برگزار شد. مسائل مهم در این کنفرانس عبارت بودند از تضمین برخورداری از سواد، توانمند سازی زنان، آموزش و اشتغال، تأثیر فناوری های جدید اطلاعاتی و آموزش گروه های خاص مثل سالمندان، مهاجرین و اقلیت های قومی.

ج) ششمین کنفرانس بین المللی آموزش بزرگسالان در بلژیک (Belem) برزیل با عنوان زندگی و یادگیری برای آینده نزدیک برگزار شد.

اصول برنامه ریزی آموزش بزرگسالان عبارتند از:

۱- مشخص کردن هدف های آموزشی ۲- تعیین الویت ها ۳- پیش بینی، تربیت و تأمین نیروی انسانی ۴- ارزشیابی از فعالیت های انجام شده ۵- مداومت و پیگیری.

به طور کلی عوامل موفقیت در برنامه های آموزش بزرگسالان را می توان به این صورت دسته بندی کرد:

الف: عوامل درون سازمانی شامل: ۱- معلمان و کارشناسان و ایجاد شرایط مناسب برای یاددهی و یادگیری ۲- منابع مالی و مادی و اتخاذ تدابیر مؤثر برای تأمین این منابع.

ب: عوامل برون سازمانی: شامل: ۱- زبان به ویژه زبان مادری ۲- آداب و رسوم و عقاید مذهبی ۳- فناوری و ارتباطات، راهها و حمل و نقل.

تفاوت برنامه ریزی آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف: در زمینه برنامه ریزی آموزش بزرگسالان دو نوع تفکر وجود دارد تفکر اول ناشی از عزم و علاقه عمومی به همگانی ساختن آموزش و پرورش است تا همه مردم امکان برخورداری از فرصت آموزشی برابر داشته باشند و تفکر دوم: ناشی از ضرورت سازگار ساختن آموزش و پرورش با نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. تلاش برای تقویت نظام آموزشی در کشورهای در حال توسعه به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه، کاهش فشار بار آموزشی از طریق تمرکز فعالیتها در قالب برنامه های کلان است. اما برنامه ریزی کلان در کشورهای در حال پیشرفت به منظور ارایه آموزش و فراهم کردن زمینه برای استفاده از آن آموزش هاست. پیوستگی دانش نظری و عملی یعنی علم و فناوری در کشورهای پیشرفته و ضرورت هماهنگی افراد با تغییرات آن، جهت گیری برنامه ریزی آموزشی را به سمت مداوم و مادام العمر سوق داده است. ایجاد فرصت های متعدد و متنوع برای بازآموزی، نوآموزی و ترمیم آموخته ها، فراهم کردن فرصت بازگشت به مراکز آموزشی رسمی و غیررسمی برای همه از طریق آموزش باز و از راه دور و آموزش الکترونیکی در محیط های مجازی از راهبردهای برنامه در آموزش بزرگسالان در این کشور ها می باشد.

فلسفه آموزش بزرگسالان: نظرات و عقاید فلسفی در آموزش بزرگسالان از اعتقاد به سوادآموزی محض تا اعتقاد به آموزش مداوم و مادام العمر در ارتباط کامل با زندگی را در بر میگیرد. این دیدگاه که جریان آموزش باید منتهی به بهبود زندگی و پرورش مهارت های مربوط به شناخت محیط و مشارکت بیشتر در حیات سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی بشود، مبتنی بر دلایل فلسفی روش شناختی و ارزش شناختی است. دیدگاه و طرز تفکر سیاستگذاران برنامه ریزان و متخصصان تربیتی، شکل دهنده طرز تفکر مردم است. ارزنده ترین نظریه ها در این مورد مربوط و به درک و شناخت این واقعیت است که مغز انسان ظرفیتهای خالی نیستند که باید بدست دپگران پر شوند. در این بخش به معرفی فلسفه دو تن از اندیشمندان آموزش بزرگسالان می پردازیم.

مفهوم آموزش بزرگسالان در کشورهای پیشرفته صنعتی

به دلیل یکسان نبودن شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی و موقعیت جغرافیایی شکل برخورد با موضوع آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف صنعتی متفاوت است. هر یک از کشورهای صنعتی به توجه به نیازهای خود در زمان حال و آینده و همچنین بر اساس امکانات مادی و معنوی خویش به توسعه نوع و بخش خاصی از آموزش بزرگسالان پرداخته است ولی این گونه تفاوت ها در مقایسه با مشابهت هایی که در اهداف از نظر اجتماعی و اقتصادی برای پیشرفت آموزش بزرگسالان وجود دارد بسیار ناچیز است. سیمپسون تعریف جامعی از آموزش بزرگسالان ارائه داده است که در مورد اغلب کشورهای پیشرفته صدق می کند: "آموزش بزرگسالان کوشش آگاهانه یک جامعه است که از طریق مؤسسات عمومی یا سازمان های داوطلب برای اعتلای سطح آگاهی افراد جامعه به عمل می آید. به این ترتیب امکانات و وسایل یادگیری در اختیار افرادی قرار می گیرد که در سنین مختلف هستند و فرصت استفاده از تعلیمات ابتدایی و ضروری را در دبستان، دبیرستان و دانشگاه نداشته اند یا آموزش حرفه ای و تخصصی آنان قبل از وقت قطع شده است و مشتاق فراگیری مطلبی درباره موضوعی برای رسیدن به هدف معین هستند؛ به شرط اینکه مغایرتی با اصول دموکراسی جامعه نداشته باشد." این تعریف، بسیار وسیع است و دامنه عمل آن از برنامه آموزشی به خصوص نظیر برنامه سوادآموزی یا آموزش حرفه ای، که گروه خاصی از افراد جامعه از آن استفاده می کنند، گسترده تراست. براساس این تعریف آموزش بزرگسالان عبارت است از هر آن گونه فعالیتی است که سبب نوعی تغییر، اصلاح و پیشرفت افراد بزرگسال یا اجتماع شود. طبق تعریف "الن تاف" فعالیت های آموزشی و یادگیری بزرگسالان عبارتند از: "مجموعه وقایع به هم پیوسته که حداقل هفت ساعت از وقت بزرگسالان را به خود اختصاص دهد و انگیزه فرد فراگرفتن دانشها، مهارتها و ایجاد تغییرات ضروری در افکار، عقاید و معلوماتشان باشد." طبق این تعریف، هر گونه یادگیری که در مجموع حداقل هفت ساعت فرد را به خود مشغول کند، و با مطالعه کتاب و روزنامه و مجله، استفاده از برنامه های تلویزیون و رادیو، کسب اطلاعات از افراد در زمینه های مختلف، مشورت با پزشک و وکیل و فروشنده و غیره، استفاده از بحث های گروهی، سخنرانی و جز آن حاصل شود، تحت عنوان آموزش بزرگسالان طبقه بندی می شود. به عبارت دیگر در آموزش بزرگسالان حداقل زمانی که به منزله معیار آموزشی در نظر گرفته می شود هفت ساعت یا تقریباً معادل یک روز کار است. بنابراین می توان بر این زمان نام یک واحد زمانی آموزش بزرگسالان را گذاشت. آموزش بزرگسالان به وسیله مؤسسات سازمان یافته از دبستان تا دانشگاه انجام می شود. مقداری از برنامه های آموزشی به صورت رسمی و بخش بزرگی از آن به صورت غیر رسمی ارائه می شود. مؤسسات آموزشی غیر رسمی از قبیل کتابخانه، موزه، تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون و غیره در این مورد نقش عمده ای بازی می کنند. سازمان های دیگری که در اکثر کشورهای صنعتی با مؤسسات آموزشی رسمی در آموزش افراد جامعه همگام هستند، عبارتند از مؤسسات اجتماعی، انجمنها و اتحادیه ها، مؤسسات دولتی، نهادهای داوطلب از قبیل کلیسا، باشگاه، شوراها، مختلف، انجمن های ملی، بین المللی و ایالتی. بررسی وضع مدیریت، سازماندهی، برنامه و بودجه آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف صنعتی، نمایانگر این حقیقت است که قسمت اعظم موفقیت و پیشرفت آموزش بزرگسالان مدیون توجه خاص دولت و مسئولان امور به آموزش و پرورش افراد جامعه است. چنان که در اکثر موارد تنظیم و هماهنگی برنامه های آموزشی رسمی و غیر رسمی را به عهده می گیرند و از اتلاف وقت، بودجه و امکانات جلوگیری می کنند.

آموزش بزرگسالان در آلمان

آلمان، صدها سال دارای دولت های محلی کوچک بود که هر یک حاکم خاصی داشت. در قرن هجدهم حکومت پروس به قویترین حکومت آلمان تبدیل شد و سایر حکومت ها را هم متحد کرد و در سال ۱۸۷۱، امپراطوری آلمان به وجود آمد. همانطور که می دانید در جریان جنگ های جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) آلمان که جزء جبهه متحدین بود به رغم فتوحات اولیه شکست سختی خورد و به ویرانه تبدیل شد. شکست در این جنگ باعث تقسیم آلمان شد، آلمان شرقی به دست کمونیست ها افتاد و آلمان غربی به یک کشور ثروتمند سرمایه داری تبدیل شد. اما آلمان در سالهای اولیه پس از جنگ به عضویت چندین

سازمان جهانی و اروپایی درآمد و در راه صنعتی شدن گام برداشت و به سرعت مقام والایی را در میان کشورهای جهان بدست آورد؛ صورتی که هم اکنون از قدرت های صنعتی برتر اروپا و چهارمین کشور از لحاظ تولید ناخالص ملی (۱۹۸۱) در جهان می باشد (پس از آمریکا، شوروی و ژاپن). در آلمان کارخانجات زیادی وجود دارد و به ویژه در صنعت خودرو سازی بعد از ژاپن و ایالات متحده آمریکا رتبه سوم را در جهان دارد. فقط ۶٪ مردم آلمان کشاورزند و بقیه در بخش خدمات کار می کنند. با وجود گذشت بیش از ۶۶ سال از جنگ جهانی دوم، کشور آلمان اجازه تشکیل ارتش مستقل را ندارد. در سالهای پس از جنگ موضوع شهر برلین چندین بار موجب مخاصمه میان آلمان شرقی و غربی شد. در سال ۱۹۹۰ میلادی دو آلمان یکی شدند و مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیاری به وجود آمد. اما کشور آلمان، هنوز یک نیروی سیاسی و اقتصادی قدرتمند در اتحادیه اروپاست.

آموزش بزرگسالان در هندوستان

نرخ سواد (۲۰۰۹): ۶۶٪

جمعیت: ۱/۲۱۴/۴۶۴/۳

امید به زندگی: ۶۴/۴ سال

رتبه شاخص توسعه منابع انسانی در بین ۱۶۹ کشور در سال ۲۰۱۰: (شاخص ترکیبی از سطح رفاه بر مبنای سه فاکتور آموزش، بهداشت و درآمد): ۱۱۹ (دسته توسعه متوسط)

متوسط سالهای تحصیل در میان بزرگسالان: ۴/۴ سال

سرانه درآمد خالص ملی برای هر نفر: ۳/۳ دلار

تفاوت جنسیتی در آموزش: ۰/۷

مذهب: اکثر آهندو و ۱۵٪ مسلمان، مذهب رسمی ندارد (سکولار)

نوع حکومت: جمهوری پارلمانی (فدرال)

تقسیمات کشوری: ۲۸ ایالت و ۷ فرمانداری کل

زبان اداری: انگلیسی

هند تحت تاثیر نظریه های نهر و مطابق مدل سوسیالیستی دولت - رفاه در قالب طرح های پنج ساله اداره می گردد. سال ۱۹۷۶ به پیشنهاد خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر وقت، مقدمه قانون اساسی هند اصلاح گردیده و عبارت جمهوری دموکراتیک مردم هند به جمهوری سوسیالیستی سکولاریستی دموکراتیک مبدل گردید. اصلاحات کشاورزی هند که به انقلاب سبز شهرت دارد دستاوردهای عظیمی در زمینه های علمی و تئوری برخوردار بوده است به نحوی که در پرتو این اصلاحات کشور هند از عظیم ترین و موفق ترین نظام تحقیقات کشاورزی در جهان برخوردار بوده و تقریباً در کلیه ایالت های آن حداقل یک دانشگاه کشاورزی و چندین انستیتو و مراکز تحقیقات کشاورزی با بالاترین استانداردهای علمی و تحقیقاتی فعالیت دارد. و از سال ها پیش عضو سازمان تجارت جهانی است. از لحاظ اقتصادی به رغم جامعه فقیر و طبقاتی بعد از آمریکا، چین و ژاپن چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است.

آموزش بزرگسالان در ایران

در کشورما نیز آموزش بزرگسالان به قدمت تاریخ آموزش و پرورش است. از همان ابتدای سکونت آریایی ها در ایران که به تشکیل حکومت و تربیت افراد مورد نیاز برای اداره این حکومت دست زده اند، آموزش بزرگسالان نیز مطرح بوده است. همانطور که مطالعه تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل از اسلام نشان می دهد، در ایران قبل از اسلام آموزش و پرورش سخت طبقاتی بود و فقط عده محدود و خاصی از درباریان و اشراف زادگان از آن بهره مند بودند. می توان گفت که آموزش بزرگسالان در آن دوره بیشتر به تربیت جنگاوران و فرماندهان نظامی و تربیت رهبران مذهبی و دبیران درباری که معمولاً از خانواده های خاصی انتخاب می شدند،

اختصاص داشت. آموزش مردم طبقات عادی اجتماع، به صورت پراکنده و ناسازمان یافته بود که آن هم بیشتر جنبه انتقال موروثی حرفه ها و مشاغل مختلف را داشته است. در این دوره هر صاحب حرفه ای هم معلم آن حرفه است و هم کارآموز و یادگیرنده آن از صاحبان متخصص تر این حرفه ها. بعد از نفوذ اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی در ایران، محدودیت های طبقاتی برای آموزش و پرورش از میان رفت. این فرهنگ که به قابلیت های انسان برای رسیدن به کمال از طریق تربیت تاکید داشت با طرح نظریه آموزش و پرورش مداوم و مادام العمر زگهواره تا گور، مسلمانان را به آموختن علم و دانش فرا خواند و آن را برای هر زن و مرد مسلمان واجب دانست تا با آموختن علم، به نوبه خود آموزش دیگران را به عنوان زکات آموخته های خود به عهده گیرند. به این ترتیب در ایران بعد از اسلام نه تنها محدودیتهای طبقاتی بلکه محدودیتهای سنی نیز برای آموزش از بین رفت. به طوری که در مراکز آموزشی که بیشتر مساجد یا مدارس حاشیه آنها بودند شرط سنی برای استفاده از درسها وجود نداشت. تمام آموزشها چه برای خردسالان چه برای بزرگسالان به صورت غیر رسمی و اغلب پراکنده انجام می گرفت و سازمان یا سازمانهای خاصی که دولت آنها را برای آموزش مردم به وجود آورده باشد وجود نداشت. به عبارت دیگر اصولا حکومتها مسئولیتی در این مورد برای خود قایل نبودند. پس از آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپایی و نفوذ آن به ایران، قبول مسئولیت دولت برای آموزش همگانی مردم مطرح شد و ایجاد مدارس دولتی و سازمان خاصی برای تربیت و اشاعه فرهنگ مورد توجه قرار گرفت. در پی این تحول، موضوع آموزش بی سوادان بزرگسال نیز از سوی عده ای از علاقمندان به گسترش فرهنگ آموزش در میان مردم مطرح شد. به طوری که نخستین کلاس اکابر در سال ۱۳۲۷ قمری در دبستان رحمت شیراز با کوشش و همت جمعی از مشروطه خواهان تأسیس شد و مورد استقبال مردم واقع شد. (دانشگاه تربیت معلم ۱۳۵۹).

نتیجه گیری :

آموزش بزرگسالان به معنای عام خود، همواره وجود داشته و انسانها در طول تاریخ از تجارب یکدیگر درسها آموخته و این دانش و آگاهی را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده اند. با این وصف، آموزش بزرگسالان از قرن هجدهم به عنوان نوعی خاص از آموزش مطرح گردید و در قرن نوزدهم و بیستم، به صورت بخشی مشخص و جداگانه از آموزش و پرورش رسمی توسعه یافت. بدون تردید، آموزش بزرگسالان با سوادآموزی آغاز شد، اما به تدریج تغییراتی اساسی در مفاهیم، روشها، ایدئولوژی و محتوای آن ایجاد گردید. امروزه، آموزش بزرگسالان وظایف جدیدی بر عهده گرفته است که شاید مهم ترین آن، آماده کردن افراد بزرگسال برای دستیابی به یک حرفه و یا به روز کردن دانشی است که به تبع تغییرات گسترده اجتماعی و اقتصادی، ضرورت و اهمیت خود را از دست داده است (مشایخ، ۱۳۷۳). در اهمیت آموزش بزرگسالان همین بس، که از سال ۱۹۹۴ تا کنون شش کنفرانس بین المللی در این زمینه برپا گردید و در هر یک از آنها تلاش شد تا با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی جهانی و مسائل و مشکلات پیش آمده برای کشورهای عضو، خط و خطوط جدیدی به آموزش بزرگسالان داده شود.

در نتیجه ای این تحولات، تغییرات گسترده ای در این نوع آموزشها به وجود آمد؛ چنانچه، آموزش بزرگسالان در بعضی از کشورها، مانند ایران، سوئیس، آفریقای جنوبی و نیجریه، فقط به عهده ای دولت یا وزارت آموزش و پرورش سپرده شده است، حال آنکه در تعداد دیگری از کشورها، تصمیمات اصلی و سیاست گذاریهای کلی این آموزش به عهده ای دولت مثل هندوستان و در سایر موارد، تمامی تصمیمات به مقامات محلی واگذار شده است. گاهی اوقات نیز سازمانهای غیردولتی، تجاری یا صنعتی به انجام این کار ترغیب شده اند. که کشور آلمان را میتوان جزو این دسته در نظر گرفت با این وصف، با توجه به تفاوت در میزان صنعتی شدن کشورها از یکدیگر و نیز مسائل و مشکلات متفاوت بزرگسالان در این کشورها، هیچ برنامه ای مشخصی برای همه ی بزرگسالان وجود ندارد و هر کشوری، بسته به ویژگیهای خاص خود، برنامه ای مشخصی را برای بزرگسالان در نظر می گیرد. چنانچه، تأکید آموزش بزرگسالان در کشورهای پیشرفته، عملیاتی کردن یادگیری مداوم و حرکت در جهت جامعه ای دانایی محور، همراه با کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات مورد نظر است و موضوعات جدیدی مانند آموزش زیست محیطی، جمعیت، همزیستی مسالمت آمیز با دیگران، مسائل مربوط به مهاجران و موارد مشابه مورد نظر است؛ حال آنکه در کشورهای در حال توسعه، آموزش بزرگسالان

عمدتاً به سوادآموزی جوانان و بزرگسالان (به خصوص زنان) اختصاص دارد و در مجموع، ابزاری است برای افزایش آگاهی و ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی در آنها. تعریف‌های متفاوت از بی‌سوادی وجود دارد میزان «سواد» افراد به نسبت انتظاراتی سنجیده می‌شود که هر جامعه از شهروندان خود دارد. مثلاً بی‌سوادی آلمانی می‌تواند در کشورهای کمتر توسعه یافته در شمار باسوادان قرار داده شوند. در کشورهایی چون ایران هر کس دوران آموزش ابتدایی را تمام کرده باشد در شمار باسوادان قرار می‌گیرد. در کشورهای اروپایی کسانی که توانایی تشخیص حروف یا خواندن کلمات ساده را دارند، اما فهم مطالب ساده روزنامه برایشان دشوار است و اطلاعاتشان را از راه خواندن کسب نمی‌کنند کم‌سواد و حتا بی‌سواد شمرده می‌شوند. به هر حال، آنچه سوادآموزی و آموزش بزرگسالان را بیش از سایر تغییرات، تحت تاثیر قرار داده است، جهانی شدن و چالش‌های ناشی از آن بر انواع حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و به خصوص آموزشی است. بدون تردید، جهانی شدن، پدیده‌ای است چند بعدی و تغییرات ناشی از آن، حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و به خصوص تعلیم و تربیت را در برمی‌گیرد. بنابراین، تجدید نظری کلی و همه‌جانبه در آموزش و پرورش یک ضرورت است؛ در غیر این صورت، این نهاد به تدریج از ایفای وظایف و کارکردهای خود عاجز شده و به دلیل عدم پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های زمان، کارآمدی و تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد. هم‌چنین، جهانی شدن، چالش‌های جدیدی را نیز در برابر کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه قرار داده است، که لازم است برای مقابله با آنها، تمهیدات جدیدی طراحی شود. از جمله این چالش‌ها، حاشیه‌نشینی یا حذف افراد بی‌سواد یا کم‌سواد از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و تبدیل آنها به انسان‌هایی غیرمولد و فقیر، افزایش بی‌رویه جمعیت، تخریب محیط زیست، شیوع و گسترش بیماری‌های همه‌گیر مانند ایدز و اعتیاد و نیز رشد فزاینده فقر بین کشورهای شمال و جنوب و در درون هر یک از این کشورها را می‌توان نام برد. بدون تردید، اکثر مشکلات مطرح شده در بالا، گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته، شده و به خصوص بزرگسالان بی‌سواد و کم‌سواد این کشورها هستند که مجبورند مشکلات را تحمل کنند و به تدریج و با افزوده شدن بر تعداد آنها به صورت مانع بزرگی برای توسعه پایدار جامعه خود درآیند. با توجه به نکات مطرح شده، به نظر می‌رسد آموزش، تنها ابزاری است که به کمک آن می‌توان با چالش‌های ناشی از جهانی شدن مقابله کرد و مانع آن شد که بخش عمده‌ای از نیروی بزرگسال جامعه به صورت عامل مزاحمی برای توسعه جامعه درآید. این مهم به شرطی امکان‌پذیر است که آموزش بزرگسالان و به خصوص، بخشی از این آموزش که با افراد بی‌سواد و کم‌سواد سروکار دارد، بتواند پیامدهای ناشی از جهانی شدن در آموزش را از قبل پیش‌بینی کرده و در صدد پاسخ‌گویی به آنها برآید.

بعضی از این پیامدها عبارتند از:

- پدیداری جامعه‌ی در حال یادگیری
- تغییر ماهیت کار در جامعه و نیاز به رشد مهارت‌های جدید
- توانایی استفاده از فن‌آوری‌های جدید
- تربیت شهروندانی فعال و دارای صلاحیت‌های لازم برای زندگی در قرن بیست و یکم.

از این‌رو امروزه، آموزش بزرگسالان، هم به عنوان حق اساسی هر انسان و هم کلید موفقیت وی در زندگی شناخته شده است. به‌علاوه، این آموزش‌ها به عنوان گامی اساسی در جهت «توسعه‌ی پایدار انسان» در هر جامعه تلقی می‌شوند. به این دلیل، آموزش بزرگسالان موظف است تا به منظور پاسخ‌گویی به چالش‌های قرن بیست و یکم، به ایجاد تنوع در محتوا، شیوه‌های سوادآموزی و ساختار آموزشی خود پرداخته و اهداف خود را نیز بسته به موقعیت، متفاوت کرده و از طریق انواع سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی به اجرا درآورد.

فعالیت‌های سوادآموزی و آموزش بزرگسالان در ایران نیز از سابقه‌ای طولانی برخوردار است و آغاز آن به زمانی باز می‌گردد که نظام‌نامه‌ی «تعلیمات اکابر» در سال ۱۳۱۵ به تصویب هیات وزیران آن دوره رسید. این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب

اسلامی، اشکال گوناگونی به خود گرفت و سازمان‌های مختلفی را تجربه کرد. چنان‌چه «تعلیمات اساسی»، «آموزش سالمندان»، «آموزش بزرگسالان»، «پی‌کار با بی‌سوادی» و «سوادآموزی حرفه‌ای» (تابعی)، از جمله اشکال سوادآموزی در خلال این سال‌ها بودند. متأسفانه، در پایان این دوره‌ی چهل ساله و علی‌رغم تلاش‌های انجام شده، بیش از نیمی از جمعیت کشور هم‌چنان در بی‌سوادی به سر می‌بردند. از میان علل عدم موفقیت آموزش بزرگسالان در این سال‌ها و عدم موفقیت نظام گذشته در امر سوادآموزی، بی‌توجهی به انگیزه‌ها و نیازهای مردم؛ تمرکز اکثر فعالیت‌های سوادآموزی در مناطق شهری؛ فساد اداری؛ توجه به ابعاد نمایشی سوادآموزی و بی‌توجهی به آداب و رسوم، سنت‌ها و اعتقادات مردم بوده است. با پیروزی انقلاب و با فرمان بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران، نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ به‌طور رسمی فعالیت‌های خود را آغاز و افراد بی‌سوادی و کم‌سوادی ۱۰ سال به بالا را به‌عنوان هدف مورد نظر خود انتخاب کرد. تلاش‌های این سازمان طی این سال‌ها و با اجرای طرح‌های مختلف به اخذ چهار جایزه‌ی بین‌المللی از یونسکو، کاهش بی‌سوادی به کمتر از ۱۵ درصد، کاهش نابرابری‌های جنسیتی به کمتر از ۷ درصد و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای به کمتر از سیزده درصد منجر شده است (سند ملی برنامه‌ی آموزش برای همه، ۱۳۷۳). در عین حال، وجود تنگناهایی چون محدودیت منابع، ساختار اجرائی فاقد انعطاف، پراکندگی بی‌سوادان، پایین بودن کیفیت فضاها و تجهیزات آموزشی، ناتوانی در تثبیت سواد، عدم اصلاح فرایند یاددهی - یادگیری و بی‌توجهی به کاربردی کردن سواد، موجب شد که نهضت سوادآموزی به ریشه‌کنی بی‌سوادی موفق نشود و جامعه‌ی ایرانی کماکان از وجود تعداد زیاد افراد بی‌سوادی و کم‌سوادی (مجموعاً ۲۳ میلیون) در رنج باشد (همان منبع). بخش عمده‌ای از این افراد را زنان روستایی و جوانان تشکیل می‌دهند و در صورت عدم جذب آن‌ها به فرایند جهانی شدن و توسعه‌ی کشور، مشکلات جدیدی را برای کشور موجب خواهند شد. به‌علاوه، بی‌سوادی‌های جدیدی نیز به تبع جهانی‌شدن پیش آمده است که تا به حال هیچ‌گونه برنامه‌ریزی مشخصی برای آن‌ها تدارک نشده است، مانند بی‌سوادی‌های فنی و رایانه‌ای.

منابع :

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۷). آموزش بزرگسالان، تهران، انتشارات پیام نور، چاپ دوم .
- آقازاده، احمد (۱۳۸۲). آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی. تهران، نشر روان، چاپ اول.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۲). آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌الملل، تهران، نشر نیکان، چاپ اول.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۲). روش شناسی و تاریخ تحول آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌الملل، تهران، نسل نیکان، چاپ اول.
- امیری حسینی، فریدون (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه فعالیت‌های مربوط به آموزش بزرگسالان در ایران با کشورهای انگلستان و آلمان.
- بری، مارک (۱۳۸۴). آموزش و پرورش تطبیقی سنت تجدد و چالش‌های نوین، ترجمه عباس معدن دار، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- بی‌نام (۱۳۸۴). آموزش و پرورش تطبیقی سنت، تجدد و چالش‌های جدید، ترجمه دکتر عباس معدن دار، تهران، انتشارات جنگل.
- توما، ژان (۱۳۶۳). مسائل جهانی آموزش و پرورش. ترجمه آقازاده، تهران انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ اول سال .
- جارویس، پیتر، (۱۳۸۶). آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم. ترجمه سرمد، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- جوادی، محمد جعفر (۱۳۸۲). طرح تدوین سند ملی آموزش بزرگسالان.
- شفیعی، ناهید، مبانی آموزش بزرگسالان، تهران، چاپ سوم انتشارات دانشگاه آزاد اسلامشهر، سال ۸۴
- غفاری، سعید (۱۳۸۷). گامی در سوادآموزی، تهران، انتشارات دبیزش، چاپ دوم.
- کوی، لوتان (۱۳۸۴). آموزش و پرورش تطبیقی. ترجمه یمنی، تهران انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- صافی، احمد (۱۳۸۰). سازمان و اداره امور مدارس، انتشارات رشد، چاپ سوم.

- صباغیان، زهرا (۱۳۷۳). روشهای سواد آموزی بزرگسالان. تهران انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ سوم.
- نظرزاده، محسن (۱۳۸۷). آموزش بزرگسالان و توسعه پایدار، مجله ارتباط علمی، دانشگاه تهران، دوره دهم، شماره اول.
- مرادویسی، اقبال (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی و تحلیلی آموزش بزرگسالان در کشور های ایران و فنلاند.
- Adult education and development 2009 Adult Education 1998: the Contribution of ISCAE to an Emerging Field of Study. Ljubljana, Slovenien: Slovenian Institute for Adult Education.
- Bazargan, Zahra (2008). National Report on the Situation of Adult Learning and Education (ALE). National Commission Unesco.
- Bines, H., Morris, C. (2000) 'Literacy, Livelihoods and Poverty Alleviation in Pakistan', paper presented at Department for International Development Conference *Literacy for Livelihoods* held in Nepal, 4-6 December 2000.
- Daniel A. Wagner, (2000). Literacy and Adult Education, International Literacy Institute.
- Ekkehard Nuissl and Klaus Pehl (2000). Portrait of adult education in germany, german Institute for Adult Education, ISBN 3-7639-1804-3.
- Gunther, dohmen (1997). continuing education in germany. contribution to unescos fifth international conference on adult education. Karin Derichs-Kunstmann, Peter Faulstich, Rudolf Tippelt (Hg.): *Qualifizierung des Personals in der Erwachsenenbildung*. Frankfurt: Deutsches Institut für Erwachsenenbildung, 14-20.
- Madhu Singh (2002). Adult education In selectwd countries in the selected countries in the asian regioin. 'A Reference for Policies, Programmes an Delivery Modes UNESCO Institute for Education, Hamburg.
- Ministry of human resourse development (2001) annual report 1999-2000.
- National Literacy Mission (2000) *Guidelines for Evaluation of State Resource Centres*, New Delhi, Directorate of Adult Education.
- National litracy misson (2000) a peoples movement: directorate of adult education, new dehli, govern ment of india.
- National Literacy Mission (2000) A People's Movement: Directorate of Adult Education, New Delhi, Government of India.
- Narang, . Irenuka, (2000). Indian university and the future of adult education in the twenty first century, 00108146, 2000, Vol. 33, Issue 3, available from: Academic Search Premier.
- Nirantar (1997) learning to survive: exploring linkages between adult education and survival, Bonn, zed.
- Naik, C. (1990) 'Role of State Resource Centres in Literacy Promotion' in Campaigning for Literacy, New Delhi, Directorate of Adult Education.
- Organisation of the education system in Germany (2008/09). Eurydice, education, audiovisual and culture executive agency (EACEA), European Commission.
- Paul Feith (2006). What is adult education unesco answers, ISBN 84-88737-70-X, D.L.: SS/1442/06.
- Reischmann, Jost (1999): Adult Education in Germany: Roots, Status, Mainstreams, Changes. Internet-publication: <http://www.unibamberg.de/fileadmin/andragogik/08/andragogik/AdultEducationinGermany.pdf>. Version November 11, 1999.
- Reischmann, Jost (1988): Adult Education in West Germany in Case, Studies. Frankfurt: Verlag Peter Lang.

- Reischmann, Jost (1996): Andragogik - Wissenschaft von der Bildung Erwachsener. Alter Name für eine neue Sache. In: Beiheft zum Report.
- Roehrig, Paul (1975): Geschichte der Arbeiterbildung. In: Poeggeler, Franz (Ed.): Geschichte der Erwachsenenbildung. Handbuch der Erwachsenenbildung vol 4. Stuttgart: Verlag Kohlhammer, 246-263.
- Tietgens, Hans (1994): Geschichte der Erwachsenenbildung. In: Tippelt, Rudolf (Ed.): Handbuch der Erwachsenenbildung/Weiterbildung. Opladen: Leske + Budrich, 23-39.
- Unesco (1996) *Learning Without Frontiers in Karnataka*, New Delhi, Unesco.